

نظر رنگ و ویژگیهای دیگر، از پیرامونش قابل تمیز باشد. در متنهای تاریخی به معنی جا و سرزمین و شهر نیز بکار رفته است. حمد الله مستوفی در ذکر احوال شهر قزوین در عنوان فصل اول چنین می نویسد: «در ذکر اخبار و آثار که در شأن آن بقعه وارد است» (تاریخ گزیده، ۷۵۸) و نیز به معنی خانه و سرا و خانقاه و عمارت نیز به کار رفته است. در زبان فارسی به طور معمول مراد از واژه بقعه عبارت است از مقبره و آرامگاهی که جسد یک شخصیت مذهبی و یا یکی از عرفا و دانشمندان و یا حکمرانان، پادشاهان یا شخص معتبری را دربر گرفته باشد و به طور عمده مقبره امامزادگان را بقعه می نامند. اهل سنت بر آنند که طبق بعضی احادیث نبوی بنای آرامگاه بر فراز قبر مردگان از سوی پیامبر (ص) منع گردیده است. صحت صدور اینگونه احادیث مسلم نشده است و در طول تاریخ، مسلمانان و به ویژه شیعیان به امر حفظ خاطره گذشتگان علی الخصوص ائمه اطهار (ع) و امامزادگان و بزرگداشت آنان با برپا کردن بقعه و آرامگاه ابراز علاقه کرده اند. ابوالحسن العتیقی روایت کرده است که از امام جعفر صادق (ع) درباره زیارت قبر امام حسین (ع) پرسیدند آن حضرت فرمود: «... من زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتب الله له فی علیین...» (ذخائر العقبی، ۱۶۵) خبر داد مرا پدرم که هر که قبر حسین (ع) را زیارت کند و به حق او عارف باشد خداوند نامش را در زمره علیین خواهد نوشت. از میان امامان یازده گانه (ع) مزار امام هشتم حضرت رضا (ع) در خاک ایران قرار دارد و بعد از آن معتبرترین مزارها و زیارتگاهها آستانه حضرت معصومه (ع) در قم، شاه چراغ در شیراز و حضرت عبدالعظیم در ری است. ولی در سراسر ایران شاهد بقعه های فراوان هستیم که هر کدام به یکی از امامزادگان نسبت داده شده است. امامزادگان که در زمان سلطه بنی امیه و بعد بنی عباس از سرزمین حجاز و بین النهرین به نواحی دور دست به ویژه مناطق کوهستانی ایران مهاجرت کرده و پناه گرفته اند. بحث درباره مهاجرت سادات به سرزمین ایران و استقرار آنها در بخشهایی از این سرزمین نیاز به گفتاری مفصل دارد. بطور خلاصه می توان گفت که از همان قرن اول هجری در دوران خلافت امویان و به ویژه در عهد حکمرانی حجاج بن یوسف بر عراقین (۷۵ - ۹۵ ق) که دست بر سفاکیها و بیدادگریها نسبت به اولاد علی (ع) زد، نخستین مرحله مهاجرت سادات به جانب شرق و نواحی ای چون ری و قصران آغاز می گردد. در تاریخ رویان آمده است که: «منصور دوانیقی و حجاج ثقفی و متوکل عباسی علیهم ما يستحقون عهد کرده بودند که هر جا که سیدی را بیابند بکشند تا نسل ایشان منقطع گردد». با برگزیده شدن امام رضا (ع) به ولایتهدی و عزیمت ایشان به جانب طوس جمعی از سادات دست به مهاجرت می زنند چنانکه اولیاء الله آملی از این رویداد چنین یاد کرده است: «سادات علویه به سبب آوازه ولایت عهدی و حکومت امام رضا علیه السلام روی بدین طرف نهاده اند و او را بیست و یک برادر بود با چندین برادر زادگان و بنی اعمام از بنی حسن و بنی حسین. اینها به ری و نواحی عراق و قومس رسیدند که دست محبت دنیا قلم نسیان بر جریده

صدر، رهبر مفقود الاثر شیعیان لبنان، کمتر لیبک می گفته اند. قابل توجه است که حتی شعار شیعی بزرگداشت عاشورا نیز در میان شیعیان این منطقه چندان با شور و شدت مرعی نبوده است. البته با توجه به آنکه مرحوم شهید چمران نسبت به شیعیان لبنان «علم و اطلاع» داشته و شیعیان بعلبک را از سرسخت ترین جنگندگان و مهمترین طرفداران امام موسی صدر می دانسته و در موارد و مواقع مختلف تکرار می کرده است که «بعلبکیان در تب و تاب انقلابی می سوختند» و نیز با توجه به اسم رایج خونخواهی در میان قبایل مختلف شیعیان بعلبک و هرمل در بقاع، چنین استنباط می شود که قائلین به بی عملی و عافیت طلبی شیعیان بقاع، با تعمیم بی پایه برخی موارد معدود به این نتیجه ظاهراً خلاف واقع رسیده اند.

منابع: دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۲، الجزء العاشر، ۱۹؛ اعیان الشیعیة، ۱۹۸/۱؛ لبنان، مصطفی چمران، ۱۸۶ به بعد؛ مسلمین شیعه در لبنان، میر ابوالفتح دعوتی، ۵۲، ۱۱۱ - ۱۱۶؛ معجم البلدان، ۴۷۰/۸؛ First Encyclopaedia of Islam, «Buka»; Encyclopaedia of Islam, 2nd ed, «Al - Bika»; Momen, Moogan, An Introduction to Shi,i Islam, New Haven, Yale U.P. 1985, pp. 94, 120, 128, 144, 264, 266, 320. مرتضی اسعدی

بقای سهار نپوری، شیخ محمد پسر غلام محمد، متخلص به بقا، (سهار نپور ۱۰۳۷ - بقاپور آباد ۱۰۹۴ ق)، شاعر و نویسنده شیعه هندی. از نوادگان خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱). تحصیلات خود را نخست نزد پدرش و پس از مرگ او نزد شیخ محمد معصوم سرخندی به پایان برد. یکچند گوشه گرفت و به عبادت گذراند. به خواسته افتخار خان میر سامان اورنگ زیب (م ۱۱۱۸)، امپراتور هند به دربار راه یافت و امپراتور بقا را به بخشیدگی و واقعه نگاری سهار نپور گمارد. وی در آنجا روستایی برآورد که به بقاپور آباد آوازه یافت. از آثارش: مجموعه که آن را در ۱۰۷۷ ق به پایان برد. این اثر گزیده هایی از حدیقه سنایی، منطق الطیر عطار و مثنوی مولوی است؛ ریاض الاولیاء؛ تذکرة الشعراء؛ مرآت العالم و مرآت جهان نما و مرآت العالم به خط محمد بختاورخان (م ۱۰۹۲)، خواجه سرای اورنگ زیب نوشته شده است. برخی منابع به همین سبب کتاب را پدیدآورنده این اثر دانسته اند، اما محمد بقا در مرآت جهان نما مرآت العالم را نوشته خود دانسته است. از بقاء دیوان شعری نیز بجا مانده است.

منابع: ادبیات فارسی، استوری، ۲، ۶۲۸ - ۶۳۱؛ تاریخ ادبیات، اته، ۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۱۵۵۷/۵؛ تذکرة روز روشن، ۱۵۵؛ تذکرة نویسی در هند و پاکستان، ۱۷۷؛ الذریعة، ۹، ق ۱۳۹/۸. سیروس مهدوی

بقای نفس — نفس.

بقره، سوره — سوره بقره.

بقعه، واژه بقعه در زبان عربی به معنی پاره ای از زمین است که از

۲۵ AUGUSTOS 1996